



Punishment Technologies and the Continuation of the Political-Social Order in Iran (With an Emphasis on Imprisonment in Iran after the Revolution)

Hadi Sadeghi Aval¹✉Amirhosein Pourbehzadi²

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran.
Email: hadi.sadeghi@shirazu.ac.ir
2. Ph.D Student, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran.
Email: amirpourbehzed@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Every socio-political system is a discourse-linguistic constructive and its link with non-linguistic technologies that dialectically perpetuates this order. By looking at the history of Iran, we can see three breaking points in this order. The socio-political order in Iran from ancient times to the end of Qajar was influenced by the traditional-pastoral discourse, during the Pahlavi period under the influence of pseudo-modernity-pastoral discourse, and in the post-revolution era under the influence of Islamism discourse. Crime is also a structure that is the result of this system of truth. As the order changes, it is these discourses that say what act or omission is the crime and who is to blame. But this normative system requires non-linguistic technologies, which guarantee the continuation of this order and dominant discourse. Therefore, by examining the technologies of punishment, it is possible to see how the political-social order has continued. The main question of the present article is, what punishment technologies have caused the continuation of political-social order in Iran after the revolution? The hypothesis of this article is that the technologies of "torture-ritual", "punitive-correction", "discipline-education" and "care-control" have caused the continuation of the social-political order of Iran after the revolution.
Article history: Manuscript Received: 29 July 2024 Final revision received: 7 December 2024 Accepted: 3 February 2025 Published online: 5 March 2025	
Keywords: <i>punishment, torture, punitive, disciplinary, control</i>	

Cite this article: Sadeghi Aval, Hadi; Pourbehzadi, Amirhosien (2024). "Punishment Technologies and the Continuation of the Political-Social order in Iran (With an Emphasis on Imprisonment in Iran after the Revolution)", *Criminal Law and Criminology Studies*, 54 (2): 459-477, DOI: <https://doi.org/10.22059/IQCLCS.2025.379778.1931>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/IQCLCS.2025.379778.1931>



فناوری‌های مجازات و تداوم نظم سیاسی - اجتماعی در ایران (با تأکید بر مجازات حبس در ایران پس از انقلاب)

هادی صادقی اول^۱ | امیرحسین پوربهزادی^۲

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

رایانامه: hadi.sadeghi@shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

رایانامه: amirpourbehzad@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هر نظم سیاسی-اجتماعی برساختی است گفتمانی-زبانی و پیوند آن با فناوری‌های غیرزبانی، به صورت دیالکتیکی این نظم را تداوم می‌بخشند. با مشاهده تاریخ ایران می‌توان سه نقطه گسست در این نظم را مشاهده کرد. نظم سیاسی-اجتماعی در ایران از باستان تا پایان قاجار تحت تأثیر گفتمان سنت-شبان‌وارگی، دوران پهلوی تحت تأثیر گفتمان شبه‌مدرنیته-شبان‌وارگی و دوران پس از انقلاب، اغلب تحت تأثیر گفتمان اسلام‌گرایی بوده است و بدین ترتیب به تبعیت از اندیشه دیرینه‌شناسی و تبارشناسی میشل فوکو، در هر دوره حقیقتی متولد شده است که افراد هویت خودشان را در آن نظام حقیقت می‌دیدند. جرم نیز برساخت حاصل این نظام حقیقت بوده و به تبع با تغییر نظم، این گفتمان‌ها بوده‌اند که می‌گویند چه فعل و یا ترک فعلی جرم و چه کسی مجرم است و چگونه با بررسی فناوری‌های مجازات هر دوره، می‌توان تداوم نظم سیاسی-اجتماعی آن دوره را مشاهده کرد. سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که چه فناوری‌های مجازاتی سبب تداوم نظم سیاسی-اجتماعی در ایران شده‌اند؟ فرضیه مقاله حاضر این است که فناوری‌های «تذیبی-آیینی» و «تنبیهی-اصلاحی» از باستان تا قبل از انقلاب اسلامی و فناوری‌های «تذیبی-اسلامی» و «تنبیهی-بازپروری» در ایران پس از انقلاب، سبب تداوم نظم سیاسی-اجتماعی شده‌اند.
کلیدواژه‌ها: تعدیبی، تنبیهی، زنجان، فناوری مجازات، فوکو.	

استناد: صادقی اول، هادی؛ پوربهزادی، امیرحسین (۱۴۰۳). فناوری‌های مجازات و تداوم نظم سیاسی-اجتماعی در ایران (با تأکید بر

مجازات حبس در ایران پس از انقلاب)، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۴ (۲)، ۴۷۷-۴۵۹.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.379778.1931>



© نویسندگان.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.379778.1931>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

در جوامع باستانی شرقی و به‌ویژه ایران، تحت تأثیر الگوی شبان‌وارگی، حاکم به‌مثابهٔ شبان، بر رمه قدرت می‌راند. شبان ضامن نجات و رستگاری رمه است. تمام افعال رمه در این گفتمان و نظم تعریف می‌شد و وظیفهٔ رمه، اطاعت و تبعیت مطلق از شبان بود. علاوه بر این، شبان واسطه‌ای میان امر قدسی و امر اجتماعی بود و در این نظام حقیقت، مجرم کسی بود که به‌طور سلسله‌مراتبی، فعل یا ترک فعلش سبب بر هم خوردن این نظم می‌شد. این ساختار مبتنی بر شناسایی سوژه تحت اشراف از جانب نهاد قدرت، نیازمند فناوری‌ای بود که بتواند آن را حفظ کند. در اینجا فناوری تعذیبی^۱، این امکان را فراهم می‌کرد که این نظم تداوم پیدا کند و از دوران باستان تا دورهٔ مشروطه، این نظم با همین رویکرد ادامه پیدا کرد. بدین‌ترتیب عقلانیت پیشامشروطه اغلب بر مبنای همین الگوی شبان‌وارگی بود (یحیوی، ۱۳۹۶: ۹-۱۱)، اما مشروطه تأثیرات زیادی بر دستگاه عدالت کیفری گذاشت. در این دوره برای اولین بار عدلیه به‌طور رسمی تشکیل شد؛ به موازات آن قانون جزای عرفی سال ۱۲۹۵ را داشتیم و در نهایت در سال ۱۳۰۴ قانون مجازات عمومی در مجلس تصویب شد که بعدها در اواخر دوران پهلوی دوم و به سال ۱۳۵۲، اصلاحاتی نیز در آن صورت پذیرفت.

اما با وجود ساخت زندان‌های مدرن در دوران پهلوی، تنها ساختار فیزیکی مجازات تغییر می‌کنند. در آن دوران ساخت انواع امکانات مدرن مثل فروشگاه‌ها و کارگاه‌ها و نیز ساخت حمام‌ها و توجه به بهداشت زندانیان و نیز حق برخورداری آنها از هواخوری در محوطهٔ حیات زندان و سایر امکاناتی که مبتنی بر حقوق شهروندی بود، مورد توجه قرار گرفت. اما اندیشهٔ مدرن مجازات؛ یعنی بازپروری زندانیان تقریباً در این دوران با توجه به نوع ساختار سیاسی امکان‌پذیر نبود. چون رژیم حقیقت^۲ در دوران پهلوی هیچ‌وقت نتوانست خودش را از نظام شبان‌وارگی دوران قبل جدا کند (یحیوی، ۱۳۹۶: ۱۶). دلیل این مسئله این بود که به تعبیر محمدعلی همایون کاتوزیان، نوعی چرخهٔ استبداد پیوسته در ایران تکرار می‌شد. در این چرخه استبدادی، قانون ناشی از ارادهٔ یک دولت مقتدر و مستقل بود و هر کس هر نظری داشت، تصمیم قطعی و نهایی با پادشاه بود. اگر کسی خلاف رأی او کاری می‌کرد، مجرم و یاغی شناخته می‌شد. در چنین شرایطی تولد قانون در عصر بعد از مشروطه، جامعه را صرفاً شبه‌مدرن می‌کرد و گفتمان شبه‌مدرنیته- شبان‌وارگی در عصر پهلوی را ایجاد کرد (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۶۸-۱۴۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۲۵-۲۵۵).

در چنین بستری، انقلاب اسلامی ایران پیروز شد و طبیعی بود که به یکباره انتظار نمی‌رفت از گفتمان‌های حاکم بر مجازات‌ها طی صدها سال حکومت شاهنشاهی رها شود. در واقع اگرچه قلمرو زمانی پژوهش حاضر، بیشتر تأکید خود را بر ایران پس از انقلاب گذاشته است؛ اما با توجه به اینکه مجازات قدمتی به تاریخ نظام‌های سیاسی-اجتماعی دارد، نگاه به مجازات‌ها به‌طور طبیعی در بستر زمانی طولانی محقق شده بود و امکان رهایی دفعی از آن نبود. با این حال نظام سیاسی نوظهور اسلامی، برای گذار تدریجی از این وضعیت، در دههٔ ۱۳۶۰، به قوانین مجازات اسلامی رجوع و انواعی از مجازات‌ها چون اعدام و سنگسار را مجاز و لازمهٔ نظم سیاسی-اجتماعی دانست که بیشتر مبتنی بر همان فناوری تعذیبی بود؛ هرچند که شرایط جنگ و ضرورت ایجاد یا حفظ ثبات و امنیت در جامعهٔ انقلابی (با کنترل مجرمان) نیز سهم مهمی در این مسئله داشت. در این دهه شاهد نظم دانشی هستیم که با استفاده از فناوری تعذیبی، ساختار سیاسی-اجتماعی را می‌سازد و جامعه‌ای نمایشی که در آن میدان اصلی شهر، تبدیل به صحنه‌ای با تماشاجی زیاد برای مجازات مجرمان شده است و نظام دانایی جدیدی را تداعی می‌کند. در این سال‌ها غیر از مجازات مجرمان، ادبیات مجازات در تمام

1. Torture technology

2. Truth regime

ساختار سیاسی- اجتماعی نیز وجود دارد. برای مثال والدینی که کودکان خود را تنبیه می‌کنند و مدرسی که در آن، معلمان از ابزارهای سخت تنبیهی برای متنبه کردن دانش‌آموزان و وادار کردن آنها به درس خواندن استفاده می‌کنند.

اما پس از آنکه این فناوری مجازات^۱ به غایت خود یعنی حالت تعذیبی یا حداقل متنبه کردن مجرمان، کودکان و دانش‌آموزان از جرم، گناه و خطا نمی‌رسد، شاهد تغییر این فناوری به فناوری تنبیهی-بازپروری هستیم. این فناوری، از انضباط دائمی، امتحان و پایگاه‌بندی برای تربیت مجرمان استفاده می‌کند و به بازگشت پاک مجرمان به دامن جامعه در قالب بازپروری می‌نگرد. هرچند که این فناوری به ابزارهایی نیاز دارد که بتواند هر لحظه نه‌تنها مجرمان، بلکه زیست سیاسی-اجتماعی را به بهانه‌ی جلوگیری از جرم مجدد رصد کند و از این‌رو استفاده از دوربین و پابند الکترونیک به فناوری‌های مجازات افزون می‌شود.

با توجه به این ملاحظات سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که چگونه ساختار سیاسی- اجتماعی در ایران (به‌ویژه ایران پس از انقلاب) بر فناوری‌های مجازات و به‌ویژه مجازات زندان می‌نگرد و آن را تداوم می‌بخشد؟ فرضیه‌ی مقاله هم این است که اگرچه ساختار مجازات در ایران قبل از انقلاب اسلامی بر «فناوری‌های تعذیبی، آیینی» و نیز «تنبیهی- اصلاحی» استوار بوده است، اما در ایران پس از انقلاب، «فناوری‌های تعذیبی- اسلامی» و نیز «تنبیهی-بازپروری» حاکم شد^۲ که البته در هریک از این فناوری‌های مجازات، جایگاه زندان اهمیت زیادی داشته است. برای آزمودن این فرضیه، قلمرو این پژوهش مبتنی بر نوعی تبیین سیاسی- اجتماعی از مسئله‌ی مجازات خواهد بود که معتقد است مجازات‌ها، از ساختار سیاسی- اجتماعی در هر دوره‌ای از تاریخ نشأت می‌گیرد. امیل دورکهایم نیز در رویکردی نسبتاً مشابه در این حوزه و در نظریه‌ی «مجازات و انسجام اجتماعی» خود بیان می‌دارد که چگونه مجازات‌ها کارکرد انسجام‌بخشی و تحولات گفتمانی در هر اجتماع را دارند. این نگاه کارکردگرایانه به مجازات، آن را از تحلیل‌های صرف حقوقی و اخلاقی خارج می‌کند و یک خصلت سیاسی-اجتماعی بدان می‌بخشد. با چنین نگاهی است که دورکهایم جرم را لزوماً منفی و برای اجتماع مضر نمی‌داند؛ بلکه از نظر او، فرد مجرم نقش مهمی در فعال‌سازی فرایندهای سیاسی-اجتماعی بازی می‌کند و در اینجا است که حتی کارکرد مثبت مجازات معنا پیدا می‌کند (اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۲۴-۳۰).

۲. چارچوب نظری: دیرینه‌شناسی^۳ و تبارشناسی^۴ میشل فوکو

اگرچه تاریخ آزمایشگاه علوم انسانی است؛ اما پرسش این است که چگونه باید به این تاریخ نگریست؟ آیا تاریخ آن‌گونه که تاریخ‌نگاران مطرح می‌کنند، مجموعه‌ای از حوادث گذشته است؟ یا تاریخ، فلسفه، تداوم، مسیر و غایتی دارد؟ یا تاریخ، مجموعه‌ای گسسته از معانی و نشانه‌هاست که در هر دوره‌ای

1. Technology of punishment

۲. به‌نظر می‌رسد علت سرعت بیشتر ظهور فناوری‌های متفاوت مجازات در مقطع بعد از انقلاب تاکنون، بیش از هر چیز به‌واسطه‌ی تغییر در گفتمان‌های سیاسی دولت‌های بعد از انقلاب و تحولات سریع اجتماعی بوده است. در همین خصوص حسین بشیریه معتقد است بعد از انقلاب حداقل سه گفتمان کاریزمایی (۱۳۵۸-۶۸)، سنتی (۱۳۶۸-۷۸) و اقتدار قانونی و دموکراتیک در بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ در کشور حاکم شده و سیاست، قانون و اجتماع را متأثر ساخته است (ر.ک: بشیریه، ۱۳۸۵). همچنین ماهیت نوظهور دولت اسلامی بعد از انقلاب، که با اقتدار سیاسی قبل از انقلاب برای ترسیم منظومه‌های مجازات تمایزهای بنیادین داشت، در کنار تحولات سریع اجتماعی (نظیر رشد سریع شهرنشینی، افزایش تحصیلات، ظهور رسانه‌های جدید و تأثیرات جهانی شدن) از دیگر زمینه‌هایی بود که بر نوع نگاه جامعه و نظام سیاسی به مجازات اثر گذاشت.

3. Archeology

4. Genealogy

به گونه‌ای متفاوت از قبل، خودش را برایمان رؤیت‌پذیر می‌کند؟ شاید بتوان به این سؤالات این گونه پاسخ داد که تاریخ بیش از آنکه امری روشن و قابل فهم برایمان باشد، پر است از تضاد؛ از این رو باید با روشی به تاریخ نگریست که بتواند آن را با تمام تضادها و اختلاف‌نظرها در مورد آن، توضیح دهد. بر همین اساس متفکرانی چون هگل، کانت و مارکس سعی در تفهم فلسفه تاریخ کردند و فلسفه تاریخ را هدفمند تشخیص دادند. اما متفکران عمدتاً متأخر نظیر پوپر این برداشت را نپذیرفتند.

در اینجا میشل فوکو یکی از شارحان فهم تاریخ است و با اعتقاد به رویکرد دوم که اشاره شد، تاریخ را در دو پروژه دیرینه‌شناسی و تبارشناسی دنبال می‌کند. فوکو در پروژه دیرینه‌شناسی خود، تاریخ را نه یک سیر تکاملی، بلکه تحت تأثیر گاستون باشلار، گسسته و منقطع می‌بیند. او برعکس مارکس و هگل معتقد است هیچ نیت‌مندی آگاهانه‌ای پشت تاریخ نیست و لزوماً نمی‌توان تاریخ امروز را پیشرفته‌تر از تاریخ دیروز دانست. وی معتقد است که هر دورانی گفتمان خاص خود را داشته است و دیرینه‌شناسی کشف این گفتمان‌ها و نظام معنایی حاکم بر آنهاست (مطهرنیا، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۰)، چراکه از نظر فوکو ما ساختارهای ثابتی نداریم، بلکه ساختارها را باید حاصل مجموعه‌ای از گفتمان‌های متکثر و نامتجانس دید که تنها بخشی از شبکه دال و مدلوها را رؤیت‌پذیر و بخش زیادی را طرد و به حاشیه می‌رانند (شیرودی و همتی، ۱۳۹۹: ۱۰۰). بدین ترتیب هدف دیرینه‌شناسی، کشف معنایی نهفته یا حقیقتی عمیق نبود؛ بلکه در دیرینه‌شناسی، سخن از گسست‌ها، شکاف‌ها، خلأها و تفاوت‌هاست (دیرفوس و رابینو، ۱۴۰۰: ۲۰-۲۱).

اما فوکو در آغاز دهه هفتاد سده بیستم، به پیروی از نیچه، از دیرینه‌شناسی به تبارشناسی گذر می‌کند. هرچند این دو روش، در کار فوکو مکمل یکدیگرند؛ اما تمرکز فوکو در تبارشناسی به رابطه میان دانش و قدرت و حقیقت است. در دیرینه‌شناسی او بیشتر به مسئله ساخت حقیقت به واسطه گفتمان‌ها پرداخت. اما در تبارشناسی فوکو می‌خواهد نشان دهد که این حقیقت چگونه در رابطه میان قدرت و دانش ساخته می‌شود (فوکو، ۱۳۷۸: ۳۶-۳۷).

تبارشناسی در چارچوب بینش پسامختارگرایی، آشکار می‌کند که چگونه نظام دانش مسلط، زندگی افراد را از طریق بهنجار ساختنشان شکل می‌دهد و به ساختار سیاسی-اجتماعی نظم می‌بخشد (سیدمن، ۱۴۰۲: ۲۳۷). تبارشناسی روشی است برای آنکه ببینیم مفاهیم چگونه با تغییر زمان، معانی مختلفی تولید می‌کنند و چگونه بین یک شبکه معنایی با شبکه معنایی جدید گسست رخ می‌دهد. تبارشناسی روشی برای پی بردن به گسست‌ها و سازوکارهای تغییر آن است. میشل فوکو با استفاده از این روش در کتاب *مرقبت تنبیه* نشان می‌دهد که چگونه طی کمتر از یک قرن، مجازات بسیار خشونت‌آمیز در اروپای سده نوزدهم ناپدید می‌شود و زندان به عنوان مجازاتی که دیگر نه بر بدن، بلکه بر ذهن اعمال می‌شود، پدید می‌آید (فوکو، ۱۴۰۱: ۱۴-۱۱).

کتاب *مرقبت و تنبیه* (۱۹۷۵) اثر میشل فوکو، یکی از مهم‌ترین متون جامعه‌شناسی کیفر است که به‌ویژه مسئله فناوری‌های قدرت^۱ را در خصوص کیفر به کار می‌گیرد و البته از فناوری مراد خاصی دارد. بدین معنا که در نگرش فوکو، مفهوم فناوری از زوایای مختلفی بررسی شده است که در اشکال فردی، جمعی و ابزاری قابل تأمل می‌تواند باشد. برای مثال در شکل فردی، فوکو از مفهومی مثل «فناوری‌های خود»^۲ بهره می‌گیرد تا نشان دهد چگونه افراد برای رسیدن به یک حالت خاص از سعادت، پاکی، خرد، کمال یا جاودانگی، با وسایل خود یا با کمک دیگران، تعداد معینی از عملیات را بر روی بدن و روح، افکار، رفتار و نحوه وجود خود انجام دهند تا من خود را تغییر دهد. اما گاه فناوری

1. Technologies of power
2. Technologies of the self

در ساحت جمعی بوده که همان فناوری‌های قدرت در خصوص کاربست گفتمان قدرت بر فهم حقیقت را به تصویر کشیده است و گاه فناوری در معنای ابزاری آن بوده که ناظر بر آن است که چگونه ابزارهای جدید (نظیر رسانه‌ها) فهم و زیست انسانی را متأثر ساخته است^۱ (Behrent, 2013). فوکو در اینجا با انتخاب رویکرد دوم به فناوری، در مراقبت و تنبیه بیان می‌کند که فناوری‌های قدرت چگونه در دوره‌های مختلف بر جسم و روح افراد اعمال می‌شود. او با روش تبارشناسی نشان می‌دهد که چگونه نمایش عمومی تن شکنجه‌شده مجرمان، به حبس و نظارت امروزی تبدیل شده است. بدین ترتیب مجازات در استمرار قدرت، ممکن است در دوره‌ای خود را به صورت تنبیهی و در دوره‌ای دیگر به صورت انضباطی ظهور دهد. از این رو فوکو نمی‌پذیرد که مجازات فقط عکس‌العملی در مقابل جرم و پاسخی به جریحه‌دار شدن وجدان جمعی است (اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۶۵-۶۶).

فوکو در اینجا در مراقبت و تنبیه از چهار نوع فناوری مجازات: تعدی، تنبیهی، انضباطی و سراسر بین^۲ نام می‌برد. هر کدام از این فناوری‌های مجازات برآمده از دانش-قدرتی است که هر اپیستمه‌ای^۳ از تاریخ آن را ممکن و ایجاب کرده است. از طرف دیگر، فناوری‌های مجازات نه تنها نظام کیفری، بلکه تمامی قواعد و نظام هنجارین گفتمان‌ها را تضمین می‌کنند. به نظر میشل فوکو فناوری‌های مربوط به مجازات به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند که به مرور و با تغییر نظام دانایی در هر دوره‌ای تغییر کرده‌اند. این فناوری‌ها عبارت‌اند از: ۱. فناوری‌های تولید، که به ما اجازه می‌دهد چیزها را تولید کنیم، تغییر شکل دهیم یا دستکاری کنیم (فناوری تعدی-آیینی)؛ ۲. فناوری‌های سیستم‌های نشانه‌ای، که به ما امکان استفاده از نشانه‌ها، معانی، نمادها یا نشانه‌گذاری را در گستره تحولات اجتماعی - سیاسی می‌دهد؛ (فناوری تنبیهی-اصلاحی)؛ ۳. فناوری‌های قدرت، که رفتار افراد را تعیین و هدایت می‌کند و آنها را به انقیاد خود درمی‌آورد و در نتیجه سوژه‌ها را ابژه خود می‌سازد (فناوری انضباطی-تربیتی)؛ ۴. فناوری‌های خود یا عملیاتی که افراد خودشان بر روی بدن، روح، افکار و شیوه بودنشان انجام می‌دهند تا خود را تغییر دهند و به وضعیتی از سعادت، کمال، حکمت و جاودانگی دست یابند (فناوری کنترلی-مراقبتی) (Herman, 1998: 97-102). با توجه به «فهم فوکو از فناوری» و نیز «انواع فناوری‌ها در حوزه مجازات» که در سطور بالا بدان اشاره شد، می‌توان گفت مراد از فناوری‌های مجازات، نشان دادن آن سری از تکنیک‌هایی است که بیان می‌دارد اگرچه مجازات می‌تواند بخشی از راهبرد کنترل جرم باشد؛ اما می‌تواند کارکردهای دیگری مانند درمان یا آموزش اخلاقی برای محکومان نیز انجام دهد. مجازات همچنین می‌تواند جنبه غیرابزاری و بیانی داشته باشد و بر مفاهیم عمیق اجتماعی در خصوص مسئولیت شخصی و نظم اجتماعی تأکید می‌کند. جیمز گیون، استاد بازنشسته دانشگاه کالیفرنیا (ارواین) ضمن کاربست همین مفهوم در تحقیقات پژوهشی خود، نشان می‌دهد چگونه در سیستم‌های کیفری، فرایندهای مجازات، غیر از هدف کیفردهی، اهداف دیگری مثل اصلاح را برای بازگشت مجرم به ساحت سیاست و اجتماع در نظر گرفته است (Given, 2001: 66).

۱. همین رویکردهای فوکو در برخی ادبیات تحقیقی حقوق کیفری نیز دنبال شده و حتی به زایش مفهومی با نام «فناوری مجازات» منجر شده است. برای مثال در همین زمینه می‌توان به مقاله «فناوری‌های مجازات» از جیمز گیون استناد کرد که نگاه تاریخی به چگونگی اعمال مجازات‌ها را دنبال می‌کند (Given, 2001) و یا از مقاله «سوپرمکس به منزله شکلی از فناوری مجازات» یاد کرد که به بررسی وضعیت زندان سوپرمکس آمریکا که از فناوری‌های خاصی برای نظارت بر رفتار زندانیان بهره می‌گیرد می‌پردازد (Rhodes, 2007).

2. Panopticon

3. Episteme

به هر روی با توجه به این ملاحظات در این نوشتار با روش دیرینه‌شناسی می‌توان نشان داد که چه گفتمان‌هایی در هر دوره تاریخی، سبب بر ساخت نظم سیاسی-اجتماعی در ایران شده‌اند. همچنین با تبارشناسی می‌توان نشان داد که چگونه این نظام گفتار با فناوری‌های جدید مجازات و سازی می‌شود و ما با نظام دانایی جدیدی مواجه می‌شویم. برای آنکه این لحظه گسست برایمان قابل فهم شود، باید به فناوری‌های مجازات نگاه کنیم و نشان دهیم که چگونه این فناوری‌ها سبب پیوند نظام دانش-قدرت و تداوم نظم سیاسی-اجتماعی در ایران شدند.

۳. فناوری‌های مجازات در ایران تا پیش از انقلاب اسلامی

اگرچه این پژوهش بیشتر بر شرایط ایران پس از انقلاب تأکید دارد، اما از آنجا که از یک سو قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ تا دهه ۱۳۷۰ استمرار یافت و از دیگر سو تأثیرات انقلاب اسلامی بر حقوق جزای اختصاصی تأثیرگذار بود، مناسب است نگاهی به فناوری‌های مجازات پیش از پیروزی انقلاب اسلامی هم داشته باشیم، به خصوص اینکه با چنین رویکردی فهم تطبیقی از فناوری‌های مجازات در بین دو دوره ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی نیز میسر می‌شود و به تبعیت از فوکو، تأثیر گفتمان‌های سیاسی هر دوره، بر فناوری‌های مجازات مشهودتر می‌شود. به‌واقع کاربست دقیق روش تبارشناسی و دیرینه‌شناسی فوکو استلزاماتی دارد که از جمله آنها، بررسی و مقایسه ادوار تاریخی مختلف با یکدیگر است.

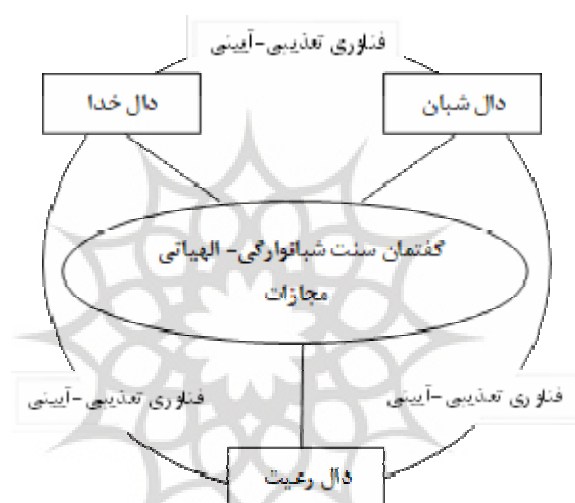
۳.۱. فناوری تعذیبی-آیینی (از دوره باستان تا اواخر قاجار)

همچنان که گفتیم در جوامع باستانی شرقی و به‌ویژه ایران، حاکم به‌مثابه شبان، بر رمة قدرت می‌راند و حتی در اینجا شبان واسطه‌ای میان امر قدسی و امر اجتماعی است. به‌واقع از دوران باستان تا دوره قاجار، این نظم شبان‌وارگی خودش را حفظ کرده بود و جامعه ایران پیش از مشروطه، جامعه‌ای بود که در آن مفاهیمی چون «استبداد»، «سلطنت»، «فره ایزدی»، «ظلل‌الله» شالوده آن را تشکیل می‌داد و رعیت با امر سلطنت و سلطان پیوند خورده بود (خزائی، ۱۴۰۱: ۱۱۲-۱۲۴).

با چنین نگاهی از تولد اشکال دولت‌های باستانی تا هنگام فروپاشی سلسله قاجار، نظم سیاسی-اجتماعی و گفتمان مجازات در ایران توسط فناوری تعذیبی بر ساخت می‌شد؛ رویکردی که قلمرو گسستن مرزهای پاکی و ناپاکی بود. در این نمایش حیات‌بخش، پاکی از دل ناپاکی خارج می‌شود. مجرم به‌مثابه گناهکار، گاهی به‌واسطه گستاخی به خداوند و امر قدسی و گاهی به‌سبب تعرض به ساحت عینی آن یعنی شبان و یا هر دو به‌صورت همزمان، یک عامل ناپاک محسوب می‌شود که با رویکرد تعذیبی می‌شود این ناپاکی را که در تمام وجود فرد گناهکار ریشه دوانده است، از بند بند جسم و جان او و نیز از اجتماع زدود (ساداتی، ۱۴۰۰: ۱۰۰-۱۰۲). در این دوران چند هزارساله، میدان مرکزی شهرها قلمرو نمایش پیوسته فرایند تعذیبی بود (ساداتی، ۱۳۹۷: ۹۰).

در اینجا رویکرد تعذیبی تنها یک مجازات نبود، بلکه بر سازنده دانشی بود که سیاست و اجتماع را با امر قدرت پیوند می‌داد. ساختار سیاسی-اجتماعی ایران مبتنی بر سه دال شبان، رعیت و خدا بود. در این نظم، تنها مرجع جرم‌انگاری، اراده شبان به‌مثابه ظهور اراده الهی بر روی زمین بود. هیچ اراده خاصی غیر از اراده شبان، برای جرم‌انگاری رفتارها وجود نداشت. تنها، فعل یا ترک فعلی قابل مجازات تلقی می‌شد که شبان آن را رفتاری مجرمانه می‌دانست (ساداتی، ۱۳۹۷: ۱۰۷). فناوری تعذیبی در قالب یک مناسک پیچیده، توزیع کمی درد را جایگزین رنج لحظه‌ای مجازات می‌کرد و این آیین ویژه

تقطیع جسمانی رنج، اوج همبستگی اجتماعی در محکمه عدالت الهی بود. در این صورت، رویکرد تعذیبی چیزی جز رسالت شبان برای اعمال اراده خداوند و برقراری عدالت او در زمین و در نتیجه، حراست از این نظم «شبانی-الهیاتی» نبود (ساداتی، ۱۴۰۰: ۹۷). در نمودار ۱، نظم گفتار و فناوری مجازات در ایران از باستان تا قاجار ترسیم شده است. در این نمودار گفتمان «سنت-شبان‌وارگی-الهیاتی» با سه دال: ۱. شبان: به مثابه اراده سیاسی، ۲. رعیت: به مثابه اراده اجتماعی و ۳. خدا: به مثابه منشأ قدرت، خودش را بر نظم سیاسی-اجتماعی مسلط می‌کند. آنچه به این گفتمان مشروعیت می‌بخشید و هر سه دال آن را در نسبت با هم تداوم می‌بخشد، فناوری تعذیبی-آیینی بود. با این فناوری مجازات، فرد مجرم را در محضر خداوند حاضر می‌کنند و جسم او را آماج عذاب می‌دارند. در این مراسم مردم به مثابه وجدان جمعی در مجازات مجرم و در این مراسم الهی مشارکت می‌کنند. اما آنچه این فناوری را می‌آفریند، تولید قدرت سیاسی برای شبان و اطاعت بیشتر برای رعیت و در نتیجه حفظ و تداوم نظم سیاسی-اجتماعی است.



نمودار ۱. فناوری تعذیبی-آیینی در گفتمان سنت-شبان‌وارگی-الهیاتی

۳. ۲. فناوری تنبیهی-اصلاحی (دوران پهلوی و تولد زندان)

ظهور مشروطه و تحولات پس از آن، تأثیرات زیادی بر دستگاه عدالت کیفری گذاشت. همچنان که سابقاً گفته شد در این دوره برای اولین بار عدلیه به‌طور رسمی تشکیل شد و پس از آن، قانون مجازات عمومی نیز به‌صورت رسمی در سال ۱۳۰۴ تصویب شد. بدین ترتیب باید گفت پس از پایان گفتمان «سنت-شبان‌وارگی»، به تدریج گفتمان جدیدی با عنوان گفتمان «شبه‌مدرنیته-شبان‌وارگی» حاکم شد که بیشتر ناظر بر تمایل خاندان پهلوی برای مدرن شدن جامعه ایران بود.

در این گفتمان، وجدان جمعی بر خلاف گذشته تمایلی برای مشاهده رنج کشیدن بزهکاران از خود نشان نمی‌داد. البته در زمان حاکمیت این گفتمان نیز نمونه‌هایی از سلب حیات در ملاعام وجود داشت. اما گفتمان حاضر برای فناوری جدید مجازات یعنی «تنبیه»، نیازمند مکانی بود که بتوان به دور از چشم مردم، هم پاسخی به وجدان جمعی برای مجازات مجرم داد و هم به‌گونه‌ای مجرم را تنبیه کرد که رفتار مجرمانه خود را اصلاح کنند. اما به سبب وجه شبان‌وارگی گفتمان قدرت سیاسی، شیوه‌های قدیمی تعذیبی سعی داشت خودش را به پنهان‌ترین بخش فرایند تنبیه انتقال دهد.

این فرایندهای تخصصی تعذیبی شامل روش‌های جانکاه شکنجه و اعتراف‌گیری بود. در کمیته ضد خرابکاری، رویکردهای تعذیبی بدون مرز، کارکردی ویژه داشت (ساداتی، ۱۳۹۸: ۲۷۹-۲۸۳).

زندان در دوران قاجار عبارت بود از اتاقی تاریک، مرطوب و کثیف که در آن جز غل و زنجیر کردن دست و پا و گردن و شپش و ساس برای اذیت چیزی نبود. شاید بتوان گفت تولد زندان به‌مثابه مکانی برای ظهور فناوری‌های نوین مجازات را در دوران پهلوی و قانون کیفری ۱۳۰۴ شاهدیم. جایی که سه گونه حبس در قانون در نظر گرفته شده بود: ۱. حبس با اعمال شاقه، ۲. حبس مجرد و ۳. حبس تأدیبی. در سال ۱۳۵۲ با اصلاح قانون مجازات عمومی، شاهد تغییراتی در نظام جرم‌شناسی و نیز کاربست بیشتر مجازات حبس هستیم و مجازات‌ها به اعدام و حبس به سه قسم: ۱. دائم، ۲. درجه یک و ۳. درجه دو تغییر پیدا کرد (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۹۳: ۴۸-۸۷).

به موازات همین مسئله با ساخت زندان‌های مدرن در دوران پهلوی، اگرچه گفتمان شبان‌وارگی هم وجود داشت، اما شاهد تغییراتی در فناوری مجازات نیز هستیم. برای مثال در آن دوران ساخت انواع امکانات مدرن مثل فروشگاه‌ها، کافه‌ها و کارگاه‌ها و نیز ساخت حمام‌ها و توجه به بهداشت زندانیان و نیز حق برخورداری آنها از هواخوری در محوطه حیاط زندان و سایر امکاناتی که مبتنی بر حقوق شهروندی بود، مورد توجه قرار گرفت.

اما پس از سال‌های ۱۳۱۰ رضاشاه از حکومت مطلقه شبه‌مدرن^۱، به مرور به حاکمی خودکامه تبدیل شد و مجازات‌ها هرچند جنبه تعذیبی خود را آن‌گونه که در میدان شهرها رخ می‌داد، از دست داده بود، اما مجازات زندان^۲ به دستگاه سرکوب مخالفان سیاسی شاه تبدیل می‌شود و در دوره پهلوی، شاهد انواع شکنجه‌های بدنی هستیم که حال پشت دیوارهای زندان مدرن انجام می‌شد (خزائی، ۱۴۰۱: ۲۸۳-۳۲۷). اندیشه مدرن مجازات، یعنی بازپروری زندانیان تقریباً در این دوران با توجه به نوع ساختار سیاسی امکان‌پذیر نبود. چون رژیم حقیقت^۳ در دوران پهلوی هیچ‌وقت نتوانست خودش را از این نظام شبان‌وارگی جدا کند (یحوی، ۱۳۹۶: ۱۶)، ازاین‌رو این دوره را می‌توان با استناد به دیدگاه کاتوزیان شبه‌مدرنیته- شبان‌وارگی نام نهاد (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

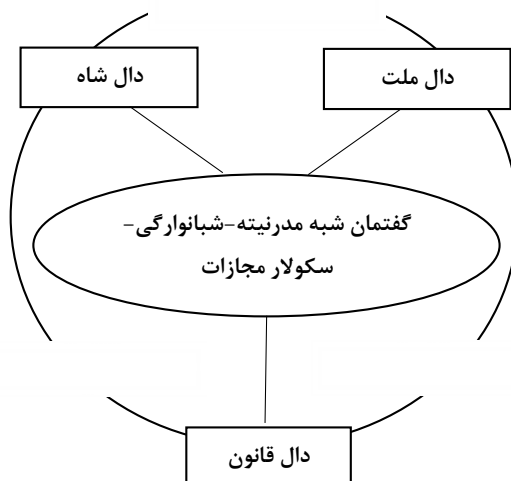
در مجموع پس از انقلاب مشروطه و طرح مسئله قانون و تفکیک قوا و سپس با طرح مسئله دولت مدرن، شاهد تغییرات مهمی در شیوه مجازات‌ها می‌شویم و فناوری «تنبیهی-اصلاحی» متولد می‌شود که در آن ساختار سیاسی-اجتماعی به‌گونه‌ای ترسیم می‌شود که در آن، مجرم با سه دال؛ قانون، ملت و شاه مفصل‌بندی می‌شود. با این فناوری مجازات، فرد مجرم را به دور از چشم جامعه و در پشت دیوارهای زندان با انواع تکنیک‌های تنبیهی اصلاح می‌کنند. در این مجازات، دیگر مردم به‌مثابه وجدان جمعی در مجازات مجرم شرکت نمی‌کنند. مجازات‌ها کم‌کم جنبه عینی خود را از دست می‌دهند و اثرشان را بر ذهن جامعه می‌گذارند. اما آنچه این فناوری می‌آفریند، تولید قدرت سیاسی برای شاه و اصلاح ذهنی رفتار مردم به‌مثابه ملت-تابعان و در نتیجه حفظ و تداوم نظم سیاسی-اجتماعی است. یعقوب خزائی در کتاب *فرایند ساخت‌یابی زندان از مشروطه تا پایان پهلوی* / *اول به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه ساختار و شیوه اداره زندان در دوران پسامشروطه و در زمان پهلوی متأثر از مدرنیزاسیون دچار تحول جدی می‌شود* (خزائی، ۱۴۰۱: ۱۲۳-۲۰۸). اما نبود تمرکز در اداره زندان‌ها، استفاده ابزاری و تبدیل آن به ماشین سرکوب مخالفان شاه، نمی‌توانست کارکرد اصلی زندان

۱. در برخی منابع پژوهشی، در تشریح نظریه حکومتی عصر رضاشاه از اصطلاح «مطلقه شبه‌مدرن» استفاده می‌کنند که در آن، در عین پادشاهی رضاشاه، نهادهای مدرن نظیر ارتش و دیوان‌سالاری اداری تأسیس می‌شود. اما حکومت رضاشاه بعد از تأسیس این نهادها، به‌تدریج به سمت نظریه دولت خودکامه حرکت می‌کند که نظر شخصی خود را بر عملکرد نهادهای جدید اولویت می‌بخشد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۹۵؛ میراحمدی و جباری نصیر، ۱۳۸۹).

2. Prison Punishment

3. Truth regime

را محقق کند و این میراث معیوب، پس از انقلاب به جامعه جدید انقلابی می‌رسد که در نمودار ۲ عناصر آن مشخص شده است.



نمودار ۲. فناوری تنبیهی-اصلاحی در گفتمان شبه‌مدرن-شبانواری-سکولار

۴. فناوری‌های مجازات در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

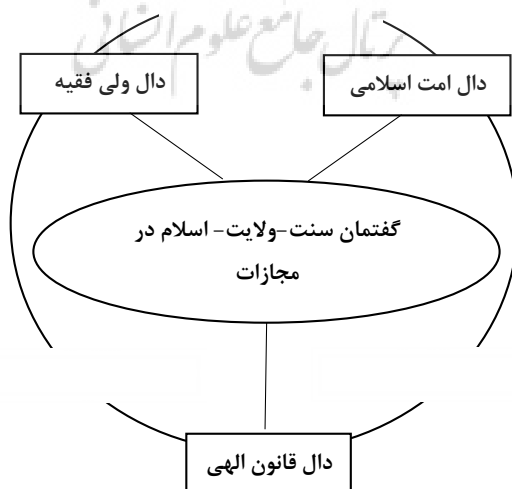
با پیروزی انقلاب اسلامی، تحولات بزرگی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و مباحث حقوقی در ایران ایجاد شد و بر همین اساس از ابتدای انقلاب زمینه‌های فاصله گرفتن از نظام مدرن مجازات که در دوران پهلوی به مرور در حال فاصله گرفتن از تعذیبی به سمت نظام حبس بود نیز مشاهده شد. بر همین اساس دو نوع فناوری مجازات «تعذیبی-اسلامی» و مجازات «تنبیهی-بازپروری» پس از انقلاب اسلامی موردنظر گرفت که مجازات اول به‌ویژه در دهه اول انقلاب و مجازات دوم به‌تدریج از اوایل دهه دوم انقلاب آغاز می‌شود.

۴.۱. فناوری مجازات «تعذیبی-اسلامی» در دهه اول انقلاب

فناوری‌های مجازات در ایران پس از انقلاب اسلامی، در عین آنکه از گفتمان‌های قبلی (و به‌ویژه رویکرد تعذیبی) تأثیر پذیرفته بود، درصدد بازآفرینی مفاهیم مجازات با رویکرد یک جامعه جدید انقلابی-اسلامی در پرتو نظریه حاکمیت دین و ولایت فقیه بود و تلاش داشت از گفتمان شبانواری فاصله بگیرد، چراکه در نظریه انقلاب اسلامی، گفتمان حکومت دینی و ولایت فقیه در تلاش و مدعی بود تا بیش از آنکه حاکم بر مردم باشد، خادم بر نهادهایی چون نهاد دین و مردم باشد. ضمن اینکه در این گفتمان، شبان (پادشاه)، نماد ظلم گفتمان‌های قبلی تصور می‌شد. با چنین نگاهی، مجازات‌ها در جامعه مناسبی-نمایشی دهه اول انقلاب، نظام دانشی مبتنی بر ارزش‌های موجود در شریعت داشت و تعرض به این ارزش‌ها بی‌تردید نمودی از تعرض به اراده خداوند پنداشته می‌شد. جرم، فعل و ترک فعلی بود که در تعارض با اراده خداوند و قانون دین بر روی زمین بود و مجازات نیز باید انعکاسی از اراده الهی می‌بود. اجرای شلاق به روزه‌خواران، اعدام، سنگسار و دیگر آیین‌های تعذیبی، با نظام معانی‌ای چون دشمن جامعه انقلابی، غیرخودی، محاربه با خداوند و رسول ایشان بود و ایجاد یک تصویر دشمن‌مدار از بزهکاری، سبب برقراری نظم سیاسی-اجتماعی در آن دوران بود (نورپور و ساداتی، ۱۴۰۰: ۱۶۰-۱۶۴).

با چنین نگاهی در سال ۱۳۶۱ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌ها را ابتدا به چهار نوع (حدود، قصاص، دیات و تعزیرات) تقسیم کرد (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۹۳: ۸۸) و در ادامه به موجب همین قانون و سپس قانون مجازات اسلامی در مبحث تعزیرات در سال ۱۳۶۲، عناوین مجرمانه‌ای وارد سیاهه جرایم شدند که از زمان جنبش قانون‌نویسی در ایران بی‌سابقه بودند. برای مثال جرم‌انگاری شرب خمر و محاربه از همین مصادیق بود. بر این اساس طبق ماده ۱۴۴ قانون تعزیرات ۱۳۶۲، مجازات شرب خمر علنی، اجرای حد شرعی و سه ماه حبس در نظر گرفته شد. همچنین در خصوص جرایم اخلاقی نیز مجازات مشابهی در نظر گرفته شد و برای مثال در تبصره ماده ۱۰۲ بیان می‌شود که «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد». در اینجا ساداتی در کتاب *مجازات و کنترل اجتماعی* سه دلیل برای بازگشت به مجازات‌های سنگین در ایران پس از انقلاب را برمی‌شمارد: ۱. غلبه قرائتی خاص از نظریه سیاسی و به‌دنبال آن، نظریه کیفری شریعت (به‌عنوان زمینه آموزه‌ای)، فشار هنجاری وجدان جمعی (به‌عنوان زمینه اجتماعی) و در نهایت، فروپاشی شبکه دیوان‌سالاری اداری (به‌عنوان زمینه ساختاری) (ساداتی، ۱۳۹۸: ۲۸۵-۲۸۷).

با این حال به نظر می‌رسد نحوه مواجهه با مجرم و تشخیص مجازات در دهه اول انقلاب، تابع گفتمان «سنت-ولایت-اسلام» با سه دال: ۱. ولی فقیه: به مثابه اراده سیاسی، ۲. امت: به مثابه اراده اجتماعی و ۳. قانون الهی: به مثابه منشأ قدرت بود و آنچه به این گفتمان مشروعیت می‌بخشید و هر سه دال آن را در نسبت با هم تداوم می‌بخشید، فناوری «تعذیبی-اسلامی» بود. با این فناوری مجازات، فرد مجرم بر اساس قانون الهی به سزای اعمالش می‌رسید و مجازات‌ها دوباره جنبه غیرترحم‌آمیز و بدنی پیدا می‌کند. هرچند این فناوری بسیار خفیف‌تر از فناوری سابق تعذیبی است، اما تأثیرات مشابهی بر اجتماع می‌گذارد. تا جایی که برخی پژوهشگران با استناد به برخی مجازات‌های علنی رخ داده در دهه اول انقلاب و شرح آن در روزنامه‌ها، آن را جزئی از پدیداری جامعه مناسکی دهه اول انقلاب و بازتولید آیین‌های علنی تحمیل رنج توصیف کرده‌اند (نورپور و ساداتی، ۱۴۰۰). بدین ترتیب آنچه این فناوری می‌آفریند تولید قدرت سیاسی و وادار کردن اجتماع به توبه و ایجاد ترس از عقوبت الهی و در نتیجه حفظ و تداوم نظم سیاسی-اجتماعی است. نمودار ۳ دال‌های مختلف این رویکرد را به تصویر کشیده است.



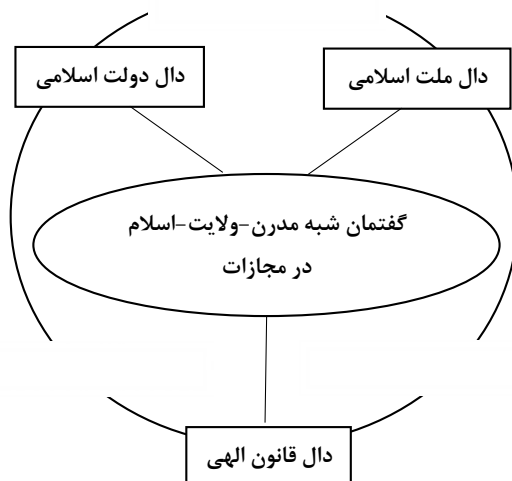
نمودار ۳. فناوری تعذیبی-اسلامی در گفتمان سنت-ولایت-اسلام در مجازات

۳.۴. فناوری مجازات «تنبیهی-بازپروری» (دهه دوم انقلاب به بعد و تحول زندان)

پس از دهه اول انقلاب، در نتیجه بازبینی در برخی قوانین مجازات اسلامی و نیز تحولات مرتبط با فضای اجتماعی و سیاسی کشور، به تدریج شاهد گذار از فناوری تعذیبی-اسلامی دهه ۱۳۶۰ هستیم و با گذار از این فناوری، زمینه برای مناسک‌زدایی از امر مجازات فراهم شد. برای مثال در این زمینه، رئیس قوه قضاییه بخشنامه‌ای به شماره ۹/۶۵/ب/ش مورخ ۱۳۶۵/۰۳/۰۱ با عنوان «خودداری از اجرای احکام در مقابل مدارس و اماکن نظیر آن» صادر کرد: «نظر به اینکه، اجرای احکام محکومیت‌های جزایی، در ملأعام و مجتمع‌های انسانی نظیر مدارس، آثار ناخواسته‌ای ایجاد می‌کند... لازم است کلیه دادگاه‌ها در اجرای احکام در ملأعام خودداری کنند و به اجرای احکام در محل دادرسی یا کلانتری و یا زندان اکتفا کنند» (نورپور و ساداتی، ۱۴۰۰: ۱۷۲). از این‌رو به مرور شاهد نامرئی شدن مجازات‌های «تعذیبی-اسلامی» در ملأعام و رفتن آنها به پشت دیوارهای بلند زندان هستیم.

زمینه‌های تغییر در کاربست شیوه‌های مدرن مجازات را در قوانین کیفری دهه ۱۳۷۰ نیز می‌توانیم مشاهده کنیم. جایی که در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸ مجازات‌ها به پنج نوع تقسیم شد که عبارت بودند از: ۱. حدود، ۲. قصاص، ۳. دیات، ۴. تعزیرات و ۵. مجازات‌های بازدارنده. نیز در سال ۱۳۷۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تصویب شد و شاهد تحول مهمی در نظام کیفری هستیم؛ جایی که به مرور در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ که در برخی جرایم مهم مانند خیانت در امانت و سرقت، به کیفر شلاق متوسل شده بود، اما در قانون ۱۳۷۵، مجازات این جرایم به کیفر حبس تبدیل شد؛ هرچند بلافاصله کیفر شلاق از نظام کیفری ناپدید نشد. به‌طوری‌که هم در تحلیل قوانین کیفری و همچنین پیامدهای عینی آن در ساخت زندان‌ها و افزایش چشمگیر زندانیان از دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ به مرور شاهد تغییر پارادایم در نظام کیفری و تبدیل زندان به مثابه یک دستگاه کیفری که سایر فناوری‌های مجازات را در خود فرو می‌برد هستیم (گودزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۲). در نمودار ۴، می‌توان این مسئله را در شکل‌گیری نظام سراسری حبس مشاهده کرد.

در این نمودار گفتمان «شبه‌مدرن-ولایت-اسلام» با سه دال: ۱. دولت اسلامی: به‌مثابه اراده سیاسی، ۲. ملت اسلامی: به‌مثابه اراده اجتماعی و ۳. قانون الهی: به‌مثابه منشأ قدرت، خودش را بر نظم سیاسی-اجتماعی مسلط می‌کند. آنچه از شبه‌مدرن در این گفتمان مراد شده، به این دلیل است که مسئولان امر درصدد بودند که به تدریج شیوه‌ها و تجربه مجازات‌های نوین برای مجرمان در عرصه جهانی را بررسی و در حد امکان و با توجه به رعایت مصالح، از آن استفاده کنند. اما آنچه به این گفتمان مشروعیت می‌بخشد و هر سه دال آن را در نسبت با هم تداوم می‌بخشد، فناوری تنبیهی-بازپروری است که جنبه متنبه‌سازی و تواب‌سازی برای بازگشت به جامعه را به‌صورت همزمان داشت. در این مجازات دیگر مردم به‌مثابه وجدان جمعی در مجازات مجرم شرکت نمی‌کنند. اما کیفر مجرمان به سبب عدم پذیرش قوانین اسلام در برخی جرایم و یا کاربست مجازات بر اساس مبانی اسلامی، اثرشان را بر ذهن جامعه می‌گذارند. اما آنچه این فناوری می‌آفریند، تولید قدرت سیاسی برای دولت اسلامی و اصلاح ذهنی رفتار مردم به‌مثابه ملت اسلامی و در نتیجه حفظ و تداوم نظم سیاسی-اجتماعی است. هرچند که عوامل دیگری نظیر گسترش رسانه‌ها در این دوره، نیز بر نوع نگاه به مجازات تأثیر داشت، چراکه رسانه‌های نوشتاری، شنیداری و دیداری با انعکاس جهت‌دار و هدفمند اخبار مربوط به ارتکاب جرائم، تصویری خاص از مفاهیمی نظیر جرم و بزه‌کار در ذهن شهروندان تولید می‌کنند و بر کیفیت داورى جامعه در خصوص جرائم و نحوه مقابله با آنها تأثیر می‌گذارند (نورپور و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۱۶).



نمودار ۴. فناوری تنبیهی-بازپروری در گفتمان شبه مدرن-ولایت-اسلام در مجازات

به هر روی تقریباً از دهه دوم انقلاب تا سه دهه بعد، فناوری تنبیهی-بازپروری برای اعمال مجازات به کار بسته شد و مهم‌ترین نشان خود را در مجازات زندان نشان داد. متناسب با این مسئله فهم دقیق‌تر فناوری مجازات در سه دهه اخیر در ایران نیازمند شناخت گفتمان حاکم بر زندان است. بدین منظور باید گفت پس از انقلاب اسلامی، به دلیل جو انقلابی حاکم بر نظم سیاسی-اجتماعی، زندان‌ها پر از عوامل ساواک و نیروهای وابسته به رژیم سابق بود. زندان در سال‌های اولیه، به انباری از مجرمان سیاسی تبدیل شده بود و در آن زمان هیچ ایده‌ای برای اداره زندان‌ها وجود نداشت. گروه‌های مختلف انقلابی هریک برای خودشان زندانی تأسیس کرده بودند و با اهداف و ارزش‌های خود، مجرمان را قضاوت و محاکمه می‌کردند. اما به مرور، سیستم زندان متمرکزتر شد و تعداد زندان‌ها گسترش یافت. در دوران پهلوی، زندان‌ها توسط نهادهای مختلف، ساواک، ژاندارمری و شهرداری اداره می‌شد؛ اما در چند سال اول پس از انقلاب هیچ سیستم سازماندهی‌شده‌ای برای اداره زندان‌ها وجود نداشت که بر همه زندان‌ها نظارت داشته باشد. تا اینکه، زندان‌ها توسط شورایی عالی قضایی متشکل از سه روحانی با کمک زندانبانان، پاسداران و قضات روحانی اداره شد. نگهبانان و مراقبان، عمدتاً پاسداران وابسته به کمیته‌های محلی و دادگاه‌های انقلاب بودند (westerweele, 2017: 27). به مرور و به‌ویژه با ریاست شهید سیداسدالله لاجوردی بر سازمان زندان‌ها، شاهد تغییرات جدی در ساختار زندان و نحوه اداره آن هستیم.

با این حال اولین قانون در خصوص زندان در ایران پس از انقلاب، قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۰۶ است. هرچند این قانون شامل تنها ۱۰ ماده است، اما در ماده ۲ آن، وظایف این سازمان را در هشت بند شرح می‌دهد که شرح آن در جدول ۱ آمده است.

پیش‌بینی ساختار آتی زندان	ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۰۶
بندی که در آینده سبب شکل‌گیری آموزش، فنی و حرفه‌ای، قرآن، تئاتر، سوادآموزی در زندان می‌شود.	بند ب- ایجاد امکانات و تسهیلات لازم در زمینه اصلاح و ارشاد و آموزش زندانیان و اشتغال و حرفه‌آموزی آنها.
بندی که در آینده سبب شکل‌گیری انجمن حمایت از زندانیان می‌شود.	بند ج- کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی خانواده زندانیان.
بندی که در آینده سبب شکل‌گیری ستاد دیه می‌شود.	بند د- جذب کمک‌های مردمی و مؤسسات خیریه.
بندی که در آینده سبب شکل‌گیری بنیاد تعاون می‌شود.	بند ه- برنامه‌ریزی جهت اشتغال زندانیان داوطلب کار با استفاده از امکانات سازمان و نیز سرمایه‌های دولتی، بانک‌ها، تعاونی‌ها، بخش خصوصی و تلاش در جهت خودکفایی زندان‌ها.
بندی که در آینده سبب شکل‌گیری نهادهای علمی به خصوص روانشناسی و پزشکی می‌شود.	بند و- تهیه آمار و اطلاعات لازم به منظور استفاده در مطالعات مربوط به جرم‌شناسی و ارائه آن به شورای عالی قضایی و کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.
بندی که حق عفو برای مقام ولایت فقیه را موجب می‌شود.	بند ز- تهیه فهرست اسامی زندانیان محکوم واجد شرایط عفو یا تخفیف مجازات و ارائه آن به دیوان عالی کشور و همچنین پیشنهاد آزادی مشروط به مقامات قضایی مربوط.
بندی که در آینده سبب شکل‌گیری مرکز مراقبت پس از خروج از زندانیان می‌شود.	بند ح- برنامه‌ریزی برای مراقبت پس از خروج با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.

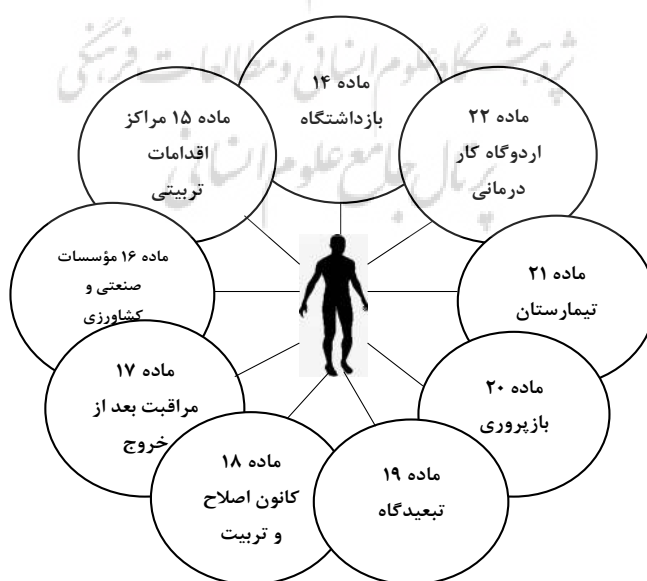
جدول ۱. طرح اولیه ساختار جدید زندان

بعد از این رویکرد، عموماً اهمیت قوانین مرتبط با زندان در قانون مجازات اسلامی خود را نشان داد. بر همین اساس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، اتکای به حبس بیشتر شد و گفتمان «حبس‌گرایی» به اتکای قوانین کیفری، گفتمان مسلط در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ بود (الهام و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۰۱-۵۰۲). اما در قانون مجازات ۱۳۹۲، شاهد تحولات جدیدی در قوانین کیفری در خصوص زندان هستیم؛ یعنی هرچند از بعد از دهه اول انقلاب اسلامی، به مرور شاهد تغییر در سیاست کیفری و قوانین مجازات از تعدی به سمت حبس‌گرایی هستیم؛ اما استفاده بیش از حد از ابزار زندان، باعث افزایش تکرار جرم شد. به واقع تبدیل شدن زندان به مدرسه بزهکاری و عدم موفقیت آن در اصلاح و بازپروری مجرمان، سبب مطرح شدن «گفتمان حبس‌زدایی» شد. این گفتمان در قانون مجازات ۱۳۹۲ سبب تغییر و افزایش فصول ۵ تا ۹ قانون مجازات اسلامی شد (خاکساری و غلامی، ۱۳۹۸: ۱۲-۱۳) و در آن بر مسئله بازپروری زندانیان به جای مجازات آنان نیز بیشتر توجه شد. برای مثال از جمله نمونه‌های بارز تلاش برای حبس‌زدایی و تأکید بر بازپروری مجرمان در قالب فصل هفتم بخش دوم و در ماده ۵۶ در زیر عنوان «نظام نیمه‌آزادی» است که مقرر می‌دارد «نظام نیمه‌آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود». همچنین در فصل نهم و در ذیل ماده ۶۴ مجازات‌های جایگزین حبس پیش‌بینی می‌شود: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف، با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود». در ماده ۵۷ فصل هفتم و ماده ۸۷ فصل نهم از بخش دوم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز رویکردهای مبتنی بر حبس‌زدایی و بازپروری خود را نشان می‌دهد. ضمن اینکه تلاش برای حبس‌زدایی و حتی اصلاح برخی مواد مرتبط با حبس در

قانون مجازات اسلامی، در قانون «کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹» نیز خود را نشان می‌دهد.

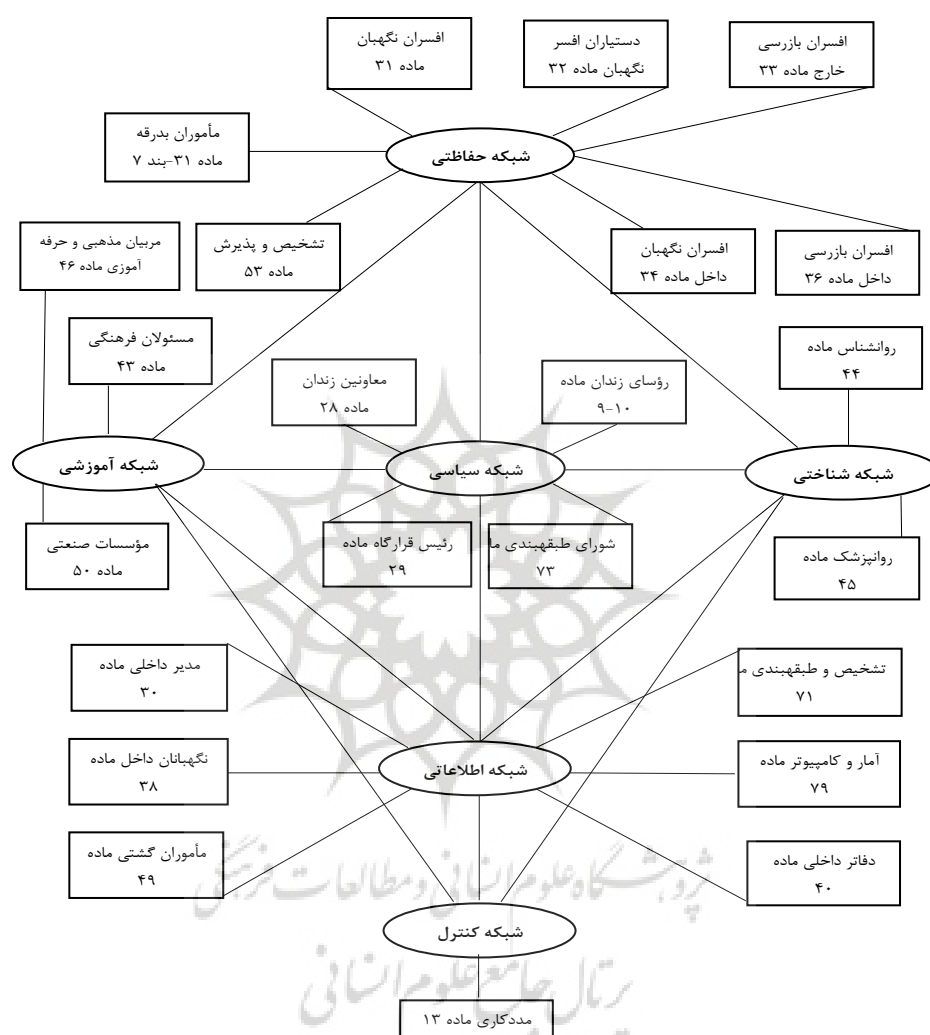
با این حال با اینکه قوانین موجود در خصوص زندان و مجازات حبس، بخش مهمی از تحقق رسمی فناوری تنبیهی-بازپروری را در دل خود دارد، اما فهم دقیق‌تر این فناوری، نیاز به بررسی آیین‌نامه داخلی زندان هم دارد. چراکه اولاً قوانین به نسبت آیین‌نامه‌ها، کلی‌تر بوده و ناظر بر جزئیات نیست؛ خصوصاً اینکه در آیین‌نامه‌ها، سازوکارها و تکنیک‌های مواجهه مستقیم با مجرمان دیده شده که در قانون کمتر به آن توجه شده است؛ ثانیاً قانون نوشته شده با شیوه اجرای آن می‌تواند بازسنجش شود. در اینجا قوانینی هستند که یا مجری آن ترک فعل کرده و یا آن را تفسیر به رأی کرده است. در چنین شرایطی، بررسی وضعیت آیین‌نامه‌ها و فهم آن، به درک بهتر شرایط مجازات حبس کمک خواهد کرد؛ ثالثاً مطابق با روش‌شناسی فوکویی که در این پژوهش موردنظر است، به مجازات‌ها از منظر گفتمان‌های رایج سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه هم باید نگریسته شود تا دقیق‌تر تفهم شود و از این‌رو صرفاً نمی‌توان به مصوبات قانونی ارجاع داد.

بر همین اساس، سازمان زندان‌ها در تاریخ ۱۳۷۲/۰۱/۰۷ اولین آیین‌نامه اجرایی خودش را مشتمل بر ۲۵۴ ماده تصویب می‌کند. دومین آیین‌نامه اجرایی نیز در تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ مشتمل بر ۲۴۷ ماده به تصویب ریاست وقت قوه قضاییه می‌رسد. با تحلیل این قوانین و آیین‌نامه‌ها می‌توان نحوه تغییر در فناوری‌های مجازات در زندان به سمت فناوری تنبیهی-بازپروری را مشاهده کرد. در اینجا هرچند به دلیل ازدیاد مواد موجود در این آیین‌نامه‌ها امکان بررسی تمامی مواد و یا تمام آیین‌نامه‌ها وجود ندارد؛ اما در این نوشتار برای رؤیت‌پذیر کردن فناوری‌های موجود در زندان، تنها به بخشی از مواد نخستین آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها پرداخته شد و با بررسی آیین‌نامه بعدی مشخص شد بدنه و اساس آیین‌نامه اول تغییر نکرده و تنها تغییراتی در تعاریف و یا تخفیف در بخشی از مجازات‌ها صورت گرفته است که در نمودارهای زیر این مواد و نحوه اثرشان بر روی سوژه مجرم ترسیم شده است. مواد ۱۴ تا ۲۲ موادی هستند که نشان می‌دهند چگونه بدن زندانی با این آیین‌نامه محاصره می‌شود.



نمودار ۵. محاصره سیاسی بدن زندانی در اولین آیین‌نامه اجرایی زندان‌ها (۱۳۷۲)

غیر از این مواد ۷۹-۹ این آیین‌نامه شبکه توزیع‌کننده انضباطها را رؤیت‌پذیر می‌کند. انضباطها مبتنی بر شبکه‌ای است که نه تنها مجرم؛ بلکه کلیت ساختار سیاسی-اجتماعی را به‌گونه‌ای تمام‌عیار در شبکه‌ای از ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، شناختی، اطلاعاتی و کنترلی جای می‌دهد. این مواد جایی است که می‌توان در آن فناوری انضباطی و سازوکارهای آن را با دقت و موشکافانه ترسیم کرد.



نمودار ۶. شبکه توزیع انضباطها

در ادامه آنچه در آیین‌نامه زندان ۱۴۰۰/۰۲/۲۸، نیز دیده می‌شود آن است که با ظهور فناوری‌های نوینی چون دوربین‌های مداربسته در درون زندان و الکترونیکی شدن زندان مواجهیم. همچنین زندانی با یک کد سیستمی به اسم سجازا^۱ مواجه می‌شود که بر مبنای آن هر کس حتی یک بار پایش به زندان باز شده باشد با یک دکمه نوع جرم، میزان مجازات، تعدد جرم، آدرس و مشخصاتش و هویتش رؤیت‌پذیر می‌شود و فرایند بهنجارسازی تنها به درون زندان اختصاص پیدا نمی‌کند. این چنین است که ما با فناوری‌ای مواجهیم که در هر لحظه و در هر جایی می‌تواند نه فقط

۱. سامانه جامع اطلاعات زندانیان ایران.

مجرمان، بلکه آنهایی که احتمال می‌رود در هر جایی مرتکب جرمی شوند را رؤیت‌پذیر کند و فناوری تنبیهی و متعاقب یا همزمان با آن بازپروری استمرار یابد.

۵. نتیجه

از دیرباز تاکنون مجازات، یکی از قدیم‌ترین و مهم‌ترین فناوری‌هایی است که برای ایجاد یا تثبیت نظم سیاسی-اجتماعی در هر دوره تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. میشل فوکو در کتاب *مراقبت و تنبیه* (۱۹۷۵)، به ظرافت هرچه تمام نشان می‌دهد که همواره مجازات‌ها برآمده از یک ایستگاه و یا یک نظام دانایی بوده‌اند و با تغییر این نظام دانایی، فناوری‌های مجازات نیز تغییر کرده‌اند. در ایران نیز از ادوار قدیم تا به اکنون، با توجه به نوع گفتمان مسلط بر نظم سیاسی-اجتماعی، فناوری مجازاتی باید به کار بسته می‌شد که بتواند دال‌های آن گفتمان را حفظ کند و آن را تداوم بخشد. در تبارشناسی فناوری‌های مجازات در قبل و بعد انقلاب، می‌توان چهار نوع فناوری مجازات: ۱. «تعدیبی-آیینی»، ۲. «تنبیهی-اصلاحی» (دوران قبل از انقلاب) ۳. «تعدیبی-اسلامی» و ۴. «تنبیهی-بازپروری» (دوران پس‌انقلاب) را شناسایی کرد. این فناوری‌ها هر کدام در یک ارتباط دیالکتیکی با گفتمان مسلط، تداوم بخش نظم سیاسی-اجتماعی در هر دوره تاریخی بودند. به‌واقع این گفتمان‌ها در هر دوره تاریخی-سیاسی، برای دستگاه سیاسی این امکان را فراهم می‌کردند که نوعی سیستم کنترل اجتماعی را برای ایجاد و یا تثبیت نظم اجتماعی، پیشگیری از جرم و تقویت قدرت و انضباط ملی و اجتماعی فراهم سازد. بدین ترتیب فناوری‌های مجازات با مبانی و نظریه دستگاه سیاسی مستقر در ارتباط موضوعی قرار گرفته است. این ارتباط موضوعی انتقال‌دهنده این انگاره اساسی می‌تواند باشد که مسئله مجازات در یک جامعه را زمانی می‌توانیم به‌درستی درک کنیم که آن را در ارتباط با نظام دانایی و سیستم سیاسی مستقر نیز ارزیابی کنیم و صرفاً در شناخت مجازات به مسائلی مثل فلسفه مجازات، ابعاد مجازات و عناصر عمومی وقوع یک جرم نگاه نیندازیم.

منابع

الف) فارسی

۱. اسفندیاری، محمد صالح (۱۳۹۴). *تحلیل جامعه‌شناسانه زندان*. تهران: مجد.
۲. الهام، غلامحسین؛ وطنی، امیر؛ حسن‌زاده لیلاکوهی، محبوبه (۱۴۰۰). *تحولات قانونگذاری کیفری جمهوری اسلامی در مورد حبس با رویکرد فقهی*. *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، (۲)، ۴۹۹-۵۱۸.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۵). *دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی*. تهران: نگاه معاصر.
۴. خاکساری، داوود؛ غلامی، حسین (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس. پژوهش حقوق کیفری»، ۷(۲۶)، ۹-۴۰.
۵. خزائی، یعقوب (۱۴۰۱). *فرایند ساخت‌یابی نهاد زندان از مشروطه تا پایان پهلوی اول*. تهران: آگه.
۶. دریفوس، هیوبرت؛ رابینو، پل (۱۴۰۰). *میشل فوکو؛ فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*. ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.
۷. ساداتی، سید محمدجواد (۱۴۰۰). *روابط معنا-نماد و الهیات مجازات: پدیداری آیین تعدیب*. *فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری*، ۱۰، ۳۶، ۷۷-۱۱۲.
۸. ساداتی، سید محمدجواد (۱۳۹۷). *گفتمان اقتدارگرایی سنتی و اقتصاد سیاسی تعدیب*. *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۲۵، ۱۳، ۸۹-۱۲۰.
۹. ساداتی، سید محمدجواد (۱۳۹۸). *مجازات و کنترل اجتماعی*. تهران: میزان.
۱۰. سردارنیا، خلیل‌اله (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. تهران: میزان.
۱۱. سیدمن، استیون (۱۴۰۲). *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*. ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نی.

۱۲. شیروودی، محمد سجاد؛ همتی، مجید (۱۳۹۹). «فوکو، پسااستخارگرایی و امر سیاسی. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۳(۲۵)، ۱۱۳-۱۳۸.
۱۳. طالع‌زاری، علی (۱۳۹۴). نظام جزایی ایران در عصر پهلوی، چالش‌ها و ملاحظات (از آغاز تا انقلاب اسلامی). پژوهشنامه تاریخ، ۱۰(۳۸)، ۶۱-۸۰.
۱۴. فوکو، میشل (۱۴۰۱). مراقبت و تنبیه. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
۱۵. فوکو، میشل (۱۳۷۸). معرفت و قدرت. ترجمه محمد ضمیران، تهران: هرمس.
۱۶. کاتوزیان، محمدعلی (همایون) (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه کامبیز عزیزی و محمدرضا نفیسی، تهران: مرکز.
۱۷. کاتوزیان، محمدعلی (همایون) (۱۳۹۴). تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران. ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.
۱۸. گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ مقدادی، لیلا (۱۳۹۳). تاریخ تحولات زندان، تهران: میزان.
۱۹. مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۸). دیرینه‌شناسی و تبارشناسی گفتمان امنیت و ایران اسلامی. فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ۶(۴)، ۵۸-۵.
۲۰. میراحمدی، منصور و جباری نصیر، حسن (۱۳۸۹). الگوی نظری دولت مطلقه و پیدایی دولت مطلقه شبه‌مدرن در ایران. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۶(۱)، ۱۶۷-۱۹۹.
۲۱. نوریپور، محسن؛ جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ ساداتی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی تعامل میان سیاست کیفری رسمی و اخلاق تنبیهی وجدان جمعی (مطالعه مورد میزان کیفرگرایی افکار عمومی شهرستان مشهد در مجازات‌های شدید بدنی). فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴۹(۲)، ۵۱۳-۵۴۱.
۲۲. نوریپور، محسن؛ ساداتی، سیدمحمدجواد (۱۴۰۰). مطالعه جامعه‌شناختی تحولات مجازات در ملأعام در جامعه پساانقلاب ایران. فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۹(۱۷)، ۱۵۳-۱۷۸.
۲۳. یحیوی، حمید (۱۳۹۶). شبان‌وارگی جدید؛ نقد عقلانیت‌های حکومتی دولت در ایران. فصلنامه دولت‌پژوهی، ۳(۱۰)، ۱-۳۲.

ب) سایت‌ها

۲۴. آیین‌نامه اجرایی قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۰۶
- <https://qavanin.ir/Law/TreeText/199211>
۲۵. آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۷۲/۰۱/۰۷
- <https://www.qavanin.ir/Law/PrintText/205717>
۲۶. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰
- <https://www.qavanin.ir/Law/PrintText/197192>
۲۷. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - مصوب ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

<https://qavanin.ir/Law/PrintText/293567>

https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AB%D8%B1%DB%8C%D8%A7_%D9%85%D9%86%D9%88%DA%86%D9%87%D8%B1%DB%8C

ج) لاتین

28. Behrent, M. (2013). Foucault and Technology. *History and Technology*, 29(1), 54-104.
29. Given, James (2001). *Inquisition and Medieval Society*. Ithaca: Cornell University Press.
30. Nilson, H. (1998). *Michel Foucault and the Games of Truth*. London: Palgrave Macmillan.
31. Westerweele, A.M. (2017). *The use of Iranian State violence and coercion in 1979-1989*. Master thesis, Utrecht University.

